



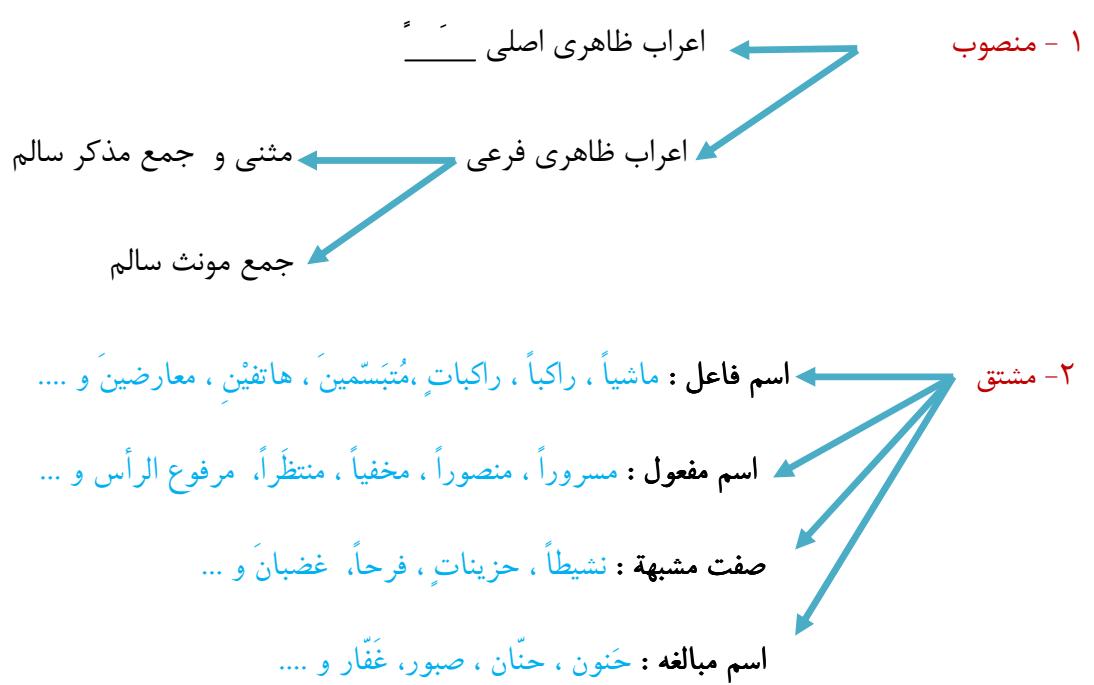
## أنواع حال :

**الف) حال مفرد**

ب) جمله حالیه (حال جمله)

حال مفرد

منظور اسمی است:



## مصدرها حال واقع نمی‌شوند کلماتی مانند (اجتهاداً، تزیلاً، خروجاً و ...)

۳ - نکره

٤- قابل حذف از جمله (عنصری است اضافی) ← يعيش المؤمنون في الدنيا قانعين

که حالت و چگونگی فاعل ، مفعول ، نائب فاعل و ... را در جمله بیان میکند . حال معادل قید حالت در زبان فارسی میباشد و در جواب كيف می آید . ضمناً به این فاعل ، مفعول ، نائب فاعل و ... که در واقع حالت آنها بیان میشود « صاحب حال » یا « ذو الحال » گفته میشود

نکته : حال در واقع جوابی است برای كيف . اگر بعد از كيف فقط یک اسم آمده باشد كيف خبر مقدم است و اگر یک جمله آمده باشد كيف نقش حال دارد .

مثال : كيف أديت امتحانك ؟      كيف أنت ؟

### ویژگی های حال و صاحب حال

۱ - صاحب حال حتماً باید معرفه باشند و در صورت نکره بودن.....

۲ - صاحب حال ممکن است اسم ظاهر ، ضمیر بارز و گاهی ضمیر مستتر باشد .

الف) ذَهَبَ عَلَىٰ ضَاحِكًا ←

ب) ذَهَبَتُ إِلَى الْمَدْرَسَةِ مَاشِيًّا ←

ج) ذَهَبَ إِلَى السَّوقِ رَاكِبًا ←

۳ - صاحب حال ممکن است بنا به نقشی که میپذیرد مرفوع ، منصوب و يا مجرور باشد .

الف ) خُلِقَ الْإِنْسَانُ ضَعِيفًا ←

ب) رَأَيْتُ الْإِنْسَانَ ضَعِيفًا ←

ج) سَلَّمَتُ عَلَى الْإِنْسَانَ ضَعِيفًا ←

٤- حال باید از نظر جنس و تعداد با ذوالحال مطابقت داشته باشد . بنابراین حال ممکن است مفرد ، مثنی یا جمع باشد .

الف) جاءَ المُعْلِمُ مسروراً ←

ب) جاءَ الْمُعَلِّمَانِ مسروريْنِ ←

ج) جاءَ الْمُعَلِّمَوْنَ مسروريْنَ ←

د) جاءَتِ الْمُعَلِّمَاتُ مسروراتِ ←

٥- کلمه **جميعاً** اگر در جمله اضافی باشد نقش حال دارد ← إِنَّ اللَّهَ يغْفِرُ الذُّنُوبَ جمِيعاً

٦ - کلماتی که معنای «گروه گروه»، «یکی یکی» و ... بدنهند اصولاً حال هستند.

رأيُ الطَّلَابِ فِي الصَّفَّ افواجاً ← دانش آموزان را گروه گروه در کلاس دیدم

٧ - گاهی در یک عبارت دو حال وجود دارد.

يَمُوتُ الْأَعْدَاءُ خَائِفِينَ مُذَعْوِرِينَ ← دشمنان **ترسان** و **وحشت زده** میمیرند

٨ - اگر ذوالحال ضمیر متکلم وحده باشد ، حال را میتوان به دو صورت مفرد مذكر و مونث آورد



مثال : رَجَعْتُ مِنِ المَدْرَسَةِ ← فرحاً ← فرحةً

٩ - اگر ذوالحال ضمیر متکلم مع الغیر باشد حال را میتوان به چهار صورت مثنی مذكر و مونث و جمع مذكر و مونث



نوشت .

مثال : رَجَعْنَا مِنِ المَدْرَسَةِ ← فرحتين ← فرحةً ← فرحة ← فرحة

مثال : رَجَعْنَا مِنِ المَدْرَسَةِ ← فرحة ← فرحة ← فرحة ← فرحة

۱۰ - اگر در جمله هم فاعل باشد و هم مفعول برای تشخیص حال به نکات زیر توجه میکنیم :

۱ - معنای جمله

۲ - مطابقت حال با ذوالحال از نظر جنس و تعداد

۳ - معرفه بودن ذوالحال

مثال : أَرْسَلَ اللَّهُ الْأَنْبِيَاءَ مُبَشِّرِينَ

۱۱ - کلمه « وحد »اگر به ضمیر متصل بچسبید نقش حال دارد .

مثال : جاءَ المَعْلُومُ وَحْدَهُ

۱۲ - ذوالحال را باید از نزدیکترین فعل به بعد لاحاظ کنیم و مبتدا ذوالحال نمیتواند باشد .

مثال : الطَّفَلُ رَجَعَ بِاكيَاً

پیشوند با : حضرت التلميذةُ في المدرسة مُتحجبةً

دانش آموز با حجاب در مدرسه حاضر شد

پسوند ان ، انه ، ا : عاد المُجَاهِدونَ من الجبهة ظَافِرِينَ

رزمندگان پیروزمندانه از جبهه بازگشتند

۱۳ - در ترجمه حال مفرد از

## جمله حاليه ( حال جمله )

گاهی يك جمله كامل اسميه يا فعليه ، حال واقع می شود و به آن جمله حاليه گويم و محلان منصوب است.

أنواع جمله حاليه :

### ١ - حال جمله اسميه

( واو حاليه + ضمير منفصل + ..... ) ←  
جمله + واو حاليه + ضمير منفصل مطابق حال يا صاحب حال + حال (مرفوع)  
← ذهب التلميذ الى المدرسة ضاحكاً

### ٢ - حال جمله فعليه

( جمله + فعل مضارع مناسب با حال يا صاحب حال از نظر تعداد و جنس )

← ذهب التلميذ الى المدرسة ضاحكاً

نکته : به دو روش زير نيز میتوان جمله حاليه ساخت :

( جمله فعليه + واو + قد + ماضى ) و ( لم / لاما + مضارع )

مانند :

ولكن... آنی يدوم لعا الصفاء و الفرح و قد فقدت أباها

اما ... راحتى و خوشى چگونه برايش دوام می يابد در حاليه پدرس را از دست داده است

نکته : روش ترجمه فعل بكار رفته در جمله حاليه ← ماضى ... مضارع : ماضى استمراري ترجمه ميشود  
ماضى ... و + قد + ماضى : ماضى بعيد ترجمه ميشود

## سوالات چهارگزینه ای

۱ - عَيْن صاحب الْحَال فاعلًا (سراسری ۹۰)

الف) أَخْذَتُ الْكِتَب مِنَ الْمَكْتَبَة سريعاً!

ب) يَحْسَبَ الْمَخْطَى خائفاً!

ج) رَأَيْتُ الضَّيْوِفَ فِي الْغَرْفَة جالسين!

د) دعوت أقربائي شاكرين!

۲ - جئت إلى معلّمي شاكرًا، لا تكلم معه حول مشاكلى الدراسية (سراسری ۸۹)

الف) با سپاس نزد معلم آدمد تا با او درباره ی مشکلت درسی ام سخن بگویم!

ب) سپاسگزارانه نزد معلم خود رفتم تا در بارهی مشکلات درسی صحبت کنم!

ج) برای حل مشکلات درسی خود نزد معلم رفتم تا از او سپاسگزاری کنم!

د) برای سپاسگزاری نزد معلم آدمد تا با او در مورد سختی های درسم حرف بزنم!